

« قوم ارمن خود به تنهایی، همه رنجهایی که در طول تاریخ در گوشه و کنار جهان، اقوام دیگر تک تک دیده اند، یکجا دیده است، گرافه نیست اگر بگوییم که قوم ارمن به اندازه تمام مردم جهان فریاد خشم سر داده، در عین اسارت با اسارت ستیز کرده است».

نشریه «روشنفکر» شماره ۷۸۷

آری، قوم ارمن در طول تاریخ چند هزار ساله خود کمتر در دوران آرامش بسر برده است. یکی از مهمترین دلایل عدم ثبات و امنیت سرزمین ارمن را می توان قرار گرفتن آن بر سر راه شرق به غرب و شمال به جنوب منطقه غرب آسیا قلمداد کرد. و در درازنای تاریخ این قوم همواره با خطر برونی و مخاطرات درونی منتج از عوامل برونی روبرو و دست به گریبان بوده است. جالب توجه آن است که در طی سده های متمادی هرگز آزادیخواهی و مبارزه با ظلم و ستم و بردگی را فراموش نکرده و هر چه به سده های اخیر نزدیک شده درجه احساسات و جنبش های آزادی خواهی خود را چند برابر نموده است. برای نمونه در سده های اخیر با دستانی تهی در برابر دشمنان مسلح تا دندان خود که در رأس آنها ترکان عثمانی بوده اند، ستیز کرده همچون جنبش های آزادیبخش سالهای ۳۰-۱۷۲۲ به رهبری داویت بگ و مختیار اسپهبد که پس از کسب پیروزی های شگفت انگیز مورد حمایت شاه تهماسب صفوی قرار گرفت و توانست برچم آزادی را بر قله کوههای ستر سیونیک و آرتساخ برافرازد.

روحیه آزادیخواهی ارمنیان همچنان در طول زمان حفظ و تقویت گردید. چنان که می دانیم پس از انقلاب فرانسه جنبشهای آزادیخواهی اقوام دیگر از آن الهام گرفتند. این جنبشها در اواخر سده ۱۹م. به اوج خود رسیدند. در این حین احساسات ملی و تمایلات آزادیخواهی در میان ارمنیان بخش روسی و عثمانی سرزمین ارمن تهیج گردید و انجمنها و احزاب سیاسی با اهداف خود مختاری و استقلال ارمنیان در نقاط مختلف تشکیل گردید. در همین اثنا ترکان عثمانی در برابر مسئله بزرگی به نام «مسئله ارمنی» قرار گرفتند که از یک سو منعکس کننده آمال و آرزوهای دیرینه قوم ارمن واز سوی دیگر بصورت ابزاری در دست قدرتمندان پشت پرده سیاست اروپا در جهت کسب نفوذ سیاسی و اقتصادی آنان در عثمانی در آمد.

حکام عثمانی با حمایت و تشویق اربابان اروپای خود و در رأس آنان محافل صهیونیستی و ماسونری با چهره های آلمانی، انگلیسی و فرانسوی، حل نهایی «مسئله ارمنی» را به عنوان بخشی از «مسئله شرق» در حذف یکی از باستانی ترین فرهنگها و تمدن های جهان یعنی قوم ارمن پیدا نمود لذا کشتارهای منظم ارمنیان از ده های ششم سده ۱۹ در نقاط مختلف ارمنستان غربی و نواحی غربی آناتولی آغاز گردید (طبق اولین آمار سرشماری نفوس در ارمنستان غربی که توسط نمایندگان دولتهای اروپایی در سال ۱۸۴۴ صورت گرفت، کلا ۲/۴ میلیون ارمنی در آن منطقه زندگی می گرد که امروزه هیچ اثری از آنان وجود ندارد).

کشتارهای ارمنیان که به یک پدیده طبیعی بدل شده بود بویژه در سالهای ۱۶-۱۹۱۵ در اثنای جنگ جهانی اول به اوج خود رسید و تنها در طول این دوسال ۱/۵ میلیون زن و مرد و کودک و پیر و جوان از دم تیغ جلادان عثمانی گذشتند که اگر شهیدان سالهای قبل از آن تاریخ و بعد از آن را نیز اضافه کنیم جمعا حدود ۲/۲ میلیون از سکنه ارمنی ارمنستان غربی و سواحل مدیترانه ای آناتولی و بخش اروپایی ترکیه عثمانی به دست سلاطین عثمانی، حکام ترکان جوان و ترکیه کمالیستی از حق زندگی محروم شدند و امروزه وارثان آنان کلیه رویدادهای یاد شده را انکار می کنند و حتی آثار باستانی و معابد و کلیساهای ارمنی را (که به خط ارمنی روی دیوارهای آنها تعبیه شده بود) متعلق به پیشینیان ترک خود می دانند. و جهان به اصطلاح متمدن دیروز و امروز آنچنان که باید عکس العمل انسانی در مورد این فاجعه بزرگ تاریخ از خود نشان نداده است.

لیکن سیه چهرگان تاریخ نتوانستند به هدف نهایی خود برسند. سه سال بعد از شروع نژادکشی ارمنیان یعنی در واپسین روزهای ماه مه ۱۹۱۸، پس از آنکه قوای روسیه شوروی جبهه قفقاز را ترک کردند و یک مشت سرزمین باقیمانده برای ارمنیان و جمعیتی آواره و غرق در اسف ناکترین مصائب را در برابر جنگالهای خون آلود لشکر ترکان بی پناه گذاشتند، شعله های آتش خشم قوم ارمن از زیر خاکسترهایی به قدمت تاریخ زبانه کشید و عزم ملی ارمنیان کلیه اقشار مردم را با یکدیگر متحد و یک زبان و یک دل نمود و در اثنای نبردهای دلاورانه سردارآباد، ساریقامیش و باش آباران چنان ضربه مهلکی به نوکران امپریالیسم وارد نمود که هفتاد سال طول کشید تا دشمن زخم شکست خود را التیام بخشد و آماده گردد تا ضربه مهلکتر دیگری در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ سده بیستم (بویژه ۹ مه ۱۹۹۲) دریافت کند.

پیامد منطقی نبردهای ماه مه استقلال ارمنستان و تشکیل جمهوری اول و سپس جمهوری های دوم و سوم بود. قوم ارمنی با دلاوری های خود نه تنها توانست به آرزوهای دیرینه خود جامع عمل بپوشاند بلکه موفق گردید بعنوان سد استواری در برابر سیاستهای تعرضی و توسعه طلبی غرب برای کسب امتیازهای سیاسی در شرق درآید و اقوام و سرزمینهای دیگر از ایران تا چین از این پدیده مهم بعنوان ضمانت امنیت ملی و ثبات منطقه بهره مند گردند.

امروز بر کلیه انسانها و جوامع بشری بایسته است از رادمردی مردان و زنانی قدردانی کنند که با مبارزات آزادیبخش خود درس آزادی و آزادی و چگونه زیستن و چگونه به کام شهادت شتافتن را به دیگران آموختند.

دوهفته نامه

لویس

صاحب امتیاز، مدیر مسئول

و سردبیر

دکتر ادیک باغداساریان

تهران صندوق پستی ۱۱۷-۱۵۱۷۵

تلفن ۶۴۹۵۱۸۰

پست الکترونیکی

louys@dpir.com

تکشمارة ۳۰۰ تومان

سال یکم شماره ۴-۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۹

۱۵ ماه مه ۲۰۰۰ میلادی

چاپ فروهر

تهران خیابان میرزا کوچک خان بالاتر از خیابان

جمهوری شماره ۱۶

همکاران ما در این شماره

تامار پانوسیان - آنا سارکسیان

آنوش ملیکیان - آرپینه سینانیان

آرلت وارتمیانیان - سوسانا هامبارسومیان

روبن سرداریان - رازمیک ولیجانیان

روی غازاریان - لئون آهارونیان

سامسون استپانیان - آندرانیک خچومیان

واچیک وارطانیان - ژرژ آهارونیان

روبرت وارتمیانیان - ک. هوانیسیان

ا. گرمانیکی - کارو سارکسیان

ورژیک کاراپتیان - سوریک خچومیان

گریگور زاکینیان - آنی نازاریان

جامعه ارمنی ایران

• راهپیمایی ارمنیان تهران

ایرنا- ۲۴ آوریل: تعداد کثیری از ارمنیان به مناسبت سالروز قتل ارمنیان در تهران راهپیمایی کردند. آنان خواستار شناسایی قتل عام از طرف جوامع بشری و احقاق حق ملت ارمن شدند.

• (روزنامه ایران ۷۹/۲/۱۲)

معاون امور اجتماعی شهرداری تهران: شهروندان ارمنی خوشنام و با اخلاق اند. ارامنه از خوشنام ترین و با اخلاق ترین شهروندان شهر تهران محسوب می شوند که با صمیمیت و محبت در کنار سایر شهروندان زندگی می کنند.

معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران ضمن بیان این مطلب در دیدار با آلبرت بازیان شهردار ایروان پایتخت ارمنستان که در رأس هیأتی مشغول دیدار از شهر تهران است، گفت: هموطنان ارمنی همراه و همگام با سایر هموطنان خود شهدای گرانقدری را در طول دفاع مقدس تقدیم کشور کرده اند.

به گزارش روابط عمومی معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران ارگانی با اشاره به تمرکز نسبی ارامنه در شرق شهر تهران و امکانات و تسهیلات اجتماعی، فرهنگی و ورزشی که از سوی شهرداری تهران در اختیار عموم شهروندان بویژه همشهریان مسیحی قرار گرفته است، تصریح کرد: جوانان و نوجوانان ارمنی در رشته های مختلف ورزشی موفقیت های زیادی را به دست آورده اند.

در این دیدار شهردار ایروان با قدردانی از تلاشهای شهرداری تهران جهت رسیدگی به وضعیت اجتماعی این شهر و با تأکید بر مشترکات فراوان تهران و ایروان، تقدیر و تکریم از مقام رفیع شهدا را از جمله وجوه اشتراک دو ملت دانست و اظهار داشت: ما خواستار استفاده از تجربیات شما در زمینه چگونگی کمک و حمایت از خانواده شهدا هستیم.

• نسخه دادگاه برای پزشکان بیمار

دو پزشک جوان بخاطر سرعت و اخاذی از یک مهندس ساختمان پس از محاکمه در مجتمع قضایی میرداماد مجرم شناخته شدند.

بر اساس مدارک پرونده، این دو پزشک جوان که شهپریار-ز و هوتیک-ق نام دارند و در یکی از بیمارستانهای شمال تهران کار می کردند با یک برنامه ریزی مجرمانه قصد داشتند از یک مهندس ثروتمند که ساختمان سازی می کند، ۲۰۰ هزار دلار اخاذی کنند.

این مهندس در آخرین جلسه محاکمه به خبرنگار ما گفت: من یک مهندس ساختمان هستم. چهارشنبه سوم شهریور ۱۳۷۸ جوان آراسته ای که خود را مهندس عزیزی معرفی می کرد به محل کار آمد و از من در مورد یک طرح ساختمانی سؤالاتی کرد و راهنمایی

خواست. در میان صحبتهایش متوجه شدم که او نباید مهندس باشد چرا که سؤالات بی موردی می پرسید و مشخص بود که اصلا به کار ساختمان وارد نیست.

وی ادامه داد: بعد از یک ساعت او از دفتر کارم خارج شد ساعت ۱۰ همان شب شخص ناشناسی به خانه ام تلفن کرد و خود را از مأموران عالیترتبه امنیتی معرفی کرد و بدون اینکه نام خود را بگوید سوابق زندگیم را از ۵۰ سال قبل تا کنون با تمام جزئیات بازگو کرد و آدرس کامل خانه، محل کار و حتی رفتار و حرکات من را موبه مو شرح داد و گفت: از دو سال قبل تا به حال از سوی مقامهای عالی مملکت دستور داشتیم شما را تحت کنترل داشته باشیم و طی این دو سال شما پرونده قطوری حاوی اطلاعات مربوط به فعالیتهای ضد انقلابی و خیانت به مملکت و خروج از و غیره داشته اید که مدارک آن در اختیار ما است و از سوی مقامها دستور تیر شما را داریم. اما بخاطر انسانیت حاضریم با تو همکاری کرده و در مقابل دریافت ۲۰۰ هزار دلار پرونده را برای همیشه از میان ببریم.

این مهندس ساختمان افزود: پس از قطع تلفن، بلافاصله موضوع را با نیروی انتظامی در میان گذاشتم و از آنان تقاضای کمک کردم، چرا که شخص ناشناس پشت تلفن اعلام کرد که چند تیر به در شرکتیم شلیک کرده است. اما این بار گلوله را به سوی مغز من نشانه می گیرد.

تلفن های تهدید آمیز بمدت ۱۶ روز ادامه داشت و زندگی من را مختل کرده بود چرا که آثار شلیک گلوله به در خانه ام کاملاً مشهود بود و من می ترسیدم که آنان تهدیدهای خود را عملی کنند. در کمین مردان ناشناس مأموران انتظامی موضوع این حادثه را به دادگاه انقلاب گزارش کردند و بر اساس دستور قاضی پیگیری پرونده را بر عهده گرفتند و به این ترتیب تعقیب و مراقبت برای شناسایی مردان ناشناس را آغاز کردند و سرانجام طی ۱۶ روز تلاش موفق به دستگیری دو متهم شدند. در جریان تحقیقات مشخص شد که آن دو پزشک هستند و قصد اخاذی داشتند.

دو پزشک متهم پس از دستگیری متهمان و بازجویی از آنان و برگزاری چندین جلسه محاکمه، دو پزشک هوتیک-ق و شهپریار-ز در مقابل قاضی به جرم خود اعتراف کردند و پس از بررسی و تحقیقات از سوی قاضی با توجه به موقعیت اجتماعی آنان عدم سوء پیشینه کیفری و پشتیبانی متهمان و بخشش شاکی آنان را به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم کرد.

ایران

• سیزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب

۱۳-۲۳ اردیبهشت سیزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب با شرکت ناشران داخلی و خارجی در تهران برگزار شد.

(خبرنامه اتاق بازرگانی مشترک ایران و ارمنستان - فروردین ۷۹)

• دستاوردهای سفر اقتصادی و تجاری به جمهوری ارمنستان: اولین گروه اقتصادی متشکل از ۳۲ نفر از بازرگانان صاحب صنایع بخش خصوصی ارومیه به سرپرستی نایب رئیس اتاق بازرگانی ارومیه، با همکاری اتاق مشترک ایران و ارمنستان با هدف توسعه صادرات غیر نفتی و حفظ جایگاه به جمهوری ارمنستان اعزام شد.

در جریان این سفر، ابتدا اعضای هیأت به آقای قربانی، کاردار سفارت جمهوری اسلامی معرفی شدند و سپس اهداف سفر تشریح شد.

کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران نیز در خصوص وضعیت اقتصادی ارمنستان متذکر شد: سطح معاملات جمهوری ارمنستان در سال ۹۵ حدود ۲۰۰ میلیون دلار بوده که با توجه به محدودیت و بسته بودن مرزهای قره باغ در دوران جنگ، از حجم قابل قبولی برخوردار بوده، ولی از سال ۹۶ به بعد با سرازیر شدن پیله ورن مرزی، کالاهای ایرانی بدون کنترل لازم وارد بازار ارمنستان شده و با توجه به پایین بودن کیفیت و عدم رعایت اخلاق تجاری توسط تجار، محصولات ایرانی به مرور جایگاه خود را از دست دادند.

در این راستا، جمهوری اسلامی ایران به منظور ساماندهی به موقعیت اقتصادی ایران، ضمن اخراج تجاری که باعث مخدوش شدن چهره نظام شده بود، اقدام به ساماندهی تجار ایرانی در قالب "اتحادیه ایرانی فعال در ارمنستان" نمود و به عنوان یک شکل اقتصادی در ارمنستان ثبت شد.

• کار خط برق فشار قوی ایران

بعلت ورزش بادهای قوی فعالیت خط برق فشار قوی ایران و ارمنستان متوقف شده بود که پس از دو روز مجدداً از سر گرفته شده است. در حال حاضر ایران از طریق این خط بیش از ۳۰۰ میلیون کیلووات ساعت برق ارائه شده در تابستان به ارمنستان باز می گرداند. لازم به یادآوری است که توافق پیرامون تبادل متقابل برق میان ارمنستان و ایران چند سال پیش بدست آمده است. طبق این توافق، ارمنستان در تابستان برق به ایران ارسال می دارد و هنگام زمستان ایران به ارمنستان برق می دهد.

(روزنامه ایران ۷۹/۲/۱۰)

• اصفهان، خواهر خوانده ایروان شد

عقد خواهر خواندگی دو شهر اصفهان و ایروان بین شهرداران این دو شهر طی مراسمی در محل شهرداری اصفهان بسته شد.

اهمیت ارتباط دوستانه و نزدیک بین تمدنهای بزرگ بشری با علم به تمایل شهروندان جوامع بشری در خصوص تشریک مساعی و تبادل دیدگاهها با آگاهی از تأثیر همه جانبه توسعه روابط بین کلان شهرها و همچنین مشترکات تاریخی دو شهر از مفاد عقد نامه خواهر خواندگی این دو شهر عنوان شده است. شهردار اصفهان گفت: تشابه های زیادی از

قبیل آثار تاریخی، مساجد، کلیساها، قصرها و از نظر فرهنگی و اقتصادی بین دو شهر اصفهان و ایروان وجود دارد. ایروان به عنوان شهر دانش، علم و هنر و پایتخت کشور ارمنستان است و اصفهان نیز شهر دانش ایران به حساب می آید. شهردار ایروان، آلبرت بازیان گفت: در ایران حقوق اقلیتها رعایت می شود و ارمنی ها از احترام خاصی برخوردارند. وی همچنین با اشاره به طرح «گفت و گوی تمدنها» از سوی آقای خاتمی افزود: ما از این طرح استقبال می کنیم و از هیچ کوششی در این خصوص فرو گذاری نخواهیم کرد.

شهر اصفهان تا کنون با شهرهای شیان(چین)، کوالالمپور(مالزی)، فلورانس(ایتالیا)، یاشی(رومانی) و سنت پترزبورگ(روسیه)، عقد خواهر خواندگی بسته است.

ارمنستان

● پیام آرمن سرکیسیان
آرمن سرکیسیان سفیر ارمنستان در لندن به مناسبت برکناری خود از مقام سفارت ارمنستان در لندن توسط روبرت کوچاریان نامه سرگشاده ای در تاریخ ۲۳ آوریل (روز عید پاک) خطاب به ارمنیان در شبکه اینترنت منتشر نمود. در این پیام توضیحاتی در مورد روابط لندن و ایروان، تلاشهای خود بیان نموده است و مراتب تأسف خود را ابراز داشته است.

● اعلامیه حیدر علی اف
ایروان ۲۸ آوریل (آرمن پرس). حیدر علی اف رئیس جمهور «آذربایجان» طی جلسه ای در مجلس نمایندگان آلمان بر ضرورت برقراری صلح میان ارمنستان و آذربایجان تأکید نمود و خواستار حل سریع مسئله قراباغ شد.

● روابط روسیه و ارمنستان
مسکو، ۲۸ آوریل (آرمن پرس): در جریان دیدار آرام سرکیسیان نخست وزیر ارمنستان از مسکو، مقامات بلند پایه روسی از جمله میخائیل کاژیانف معاون اول نخست وزیر اعلام کرد که روسیه آماده است در خواستهای ارمنستان را جهت حل مسائل اقتصادی و ایجاد ثبات مورد توجه قرار دهد.

بین المللی

● دعوت بطریق اعظم استامبول از پاپ
استامبول، ۲۴ آوریل (رویتر) - بطریق ارمنی استامبول از پاپ ژان پل دوم برای دیدار از ترکیه طی سال آینده دعوت به عمل آورد.

● بطریق مسروب دوم رهبر روحانی جامعه ارمنی ترکیه این دعوت را در جریان ارائه پیغام خود در روز عید پاک مطرح نمود.

● کلینتون از قتل عام ارمنیان یاد کرد

رویتر، واشینگتن. رئیس جمهوری آمریکا روز ۲۴ آوریل از نژادکشی ۱/۵ میلیون ارمنی در ترکیه عثمانی یاد کرد. وی در پیام خود خواستار ایجاد آینده ای همراه با احقاق حقوق برای کلیه جوامع شد.

● جلسات و گردهم آبی های ویژه سالروز نژادکشی ارمنیان

- ۲۰ آوریل، دانشگاه هاروارد، سخنران پروفیسور اسکات ردفورد از دانشگاه جرج تاون.
- ۲۳ آوریل، بوستون، ماساچوست، گردهم آبی.
- ۲۴ آوریل، کلیسای وارتان مقدس، نیویورک، بزرگداشت خاطره شهدا.
- ۲۴ آوریل، اطراف بنای یاد بود قتل عام در مونتبلو و کلیسای مریم مقدس با شرکت روحانیون ارمنی - لس آنجلس.
- ۲۴ آوریل، تالار دولتی فرزنو، سخنرانی جیم پاترسون شهردار فرزنو.
- ۲۴ آوریل، سالن اجتماعات شهر ویلوفال، سیدنی استرالیا، به همت احزاب هنجاک، رامکوار و داشناک.
- ۲۵ آوریل، نژادکشی ارمنیان، به همت واهگن دادریان، پتر بالاکیان و آلن رایان.
- ۲۷ آوریل، "سیاست تاریخ، نژادکشی ارمنیان و سکوت ترکیه"، دانشکده اقتصاد لندن، سخنران دکتر تانرا کچام.
- ۲۸ آوریل، تالار دولتی ماساچوست، بوستون، سخنران، قاضی ماگارت مارشال.
- ۲۸ آوریل، "نژادکشی ارمنیان" سالن تئاتر پارلمان و نیوساوت ویلز، سخنران، بارونس کارولین کوکس.
- ۲۸ آوریل، سالن چلشی، لندن، سخنران پروفیسور تانرا کچام.
- ۲۹ آوریل، سمینار نژادکشی، هتل هالیدی این، انتاریو(کانادا).

● خواست نمایندگان مجلس آمریکا
بیش از چهل نفر از نمایندگان مجلس ایالات متحد آمریکا طی یک برنامه تلویزیونی طی ایراد سخنان خود ضمن گرمیداشت خاطره شهدای نژادکشی ارمنیان خواستار شناسایی رسمی آن و اعمال فشار روی دولت ترکیه به منظور صرف نظر از انکار این واقعیت تاریخی و شناسایی آن شدند. سخنرانی های ویژه ای توسط فرانک پالون و ادوارد پورتر سازماندهی شده بود و چهل و سه نفر از اعضای مجلس نمایندگان به ایراد سخنرانی پرداختند متن این سخنرانی ها توسط کمیته ملی ارمنیان آمریکا (ANCA) توسط پست الکترونیکی به نشریه لويس نیز ارسال شده است که متأسفانه به خاطر حجم مطلب از چاپ آن معذوریم.

● ۲۰ ژانویه ۲۰۰۰، برگزاری سمپوزیوم قتل عام ارمنیان در استوکهمل سوئد.
(منبع: نور هوریزون - سوئد)

● فستیوال فیلم های ارمنی در شهر مونترال کانادا (منبع: اینترنت ارسالی از ا.پانوسیان - اوتاوا)
نخستین فستیوال فیلم های ارمنی از ۲۷ آوریل تا ۷ ماه مه به همت انجمن زنان ارمنی کانادا با همکاری سفارت ارمنستان در اوتاوا، مؤسسه فیلم کانادا، مرکز میراث زبان در دانشگاه مونترال برگزار می شود. در این فستیوال ده ها فیلم تهیه شده در ارمنستان دوران شوروی و دیگر کشورهای جهان ارائه می گردد. (فیلم هایی از پاراجانف، هنریک مالیان، آتوم اگویان و دیگران).

● جامعه ارمنی سوئد سالروز قتل عام ارمنیان را گرامی داشت.

منبع: اینترنت، شبکه خبری ارمنی
خبر مخابره شده توسط کارو هاگویان
بیش از هفتصد نفر از ارمنیان از همه شهرهای سوئد روز دوشنبه ۲۴ آوریل سال جاری برای گرامیداشت خاطره قربانیان قتل عام ارمنیان گرد هم آمدند.

بسیاری از استادان دانشگاه ها و سیاستمداران سوئدی در این گردهمایی شرکت داشتند. تانیا هدیورگ عضو پارلمان از جناح چپ در باره نژادکشی ارمنیان و حقوق بشر سخنرانی کرد و دولت ترکیه را بخاطر سر باز زدن از شناسایی این واقعه سرزنش نمود. نیلس لائو سخنران اصلی از ارمنیان خواست تا با جامعه بزرگ آشوری (۶۰۰۰۰) و کردان سوئد همکاری کنند. رهبر این جامعه از شهروندان سوئد خواستند تا به مبارزه خود بر علیه جنایات غیر انسانی ادامه دهند و یکی از مهمترین موضوعات قرار گرفتن مسئله نژادکشی ارمنیان در کتابهای درسی تاریخ مدارس سوئد بود. لازم به ذکر است که ۲۹ مارس پارلمان سوئد نژاد کشی ارمنیان به دست ترکان را به رسمیت شناخت. بیش از ۵۰۰ نفر ارمنی در سوئد زندگی می کنند.

علمی

● فعالیت ۱۲ ویروس رایانه ای
۱۲ ویروس خطرناک رایانه ای شناخته شده و ناشناس در آخرین ساعات سال ۱۹۹۹ و روزهای اولیه سال ۲۰۰۰ از طریق شبکه های اطلاع رسانی و پست الکترونیکی (اینترنت) از طرف اشخاص ناشناس ارسال شد.

کارشناسان رایانه از مؤسسات مجهز به رایانه و دارندگان رایانه ای شخصی خواستند، برای جلوگیری از بروز هر گونه مشکل ناخواسته، از باز کردن پیامهایی که از سوی افراد ناشناس به آنان ارسال شده است، خودداری کنند.

- سلولهای چشم انسان می توانند جراحات خود را ترمیم کنند

تورنتو- پژوهشگران کانادایی اعلام کردند چشم انسان قادر است جراحات خود را ترمیم کند. این پژوهشگران امیدوارند در آینده بتوانند شبکه چشم انسان را که مهمترین بخش بینایی است وادار کنند که سلولهای سالم بسازد و چشم مجروح را ترمیم کند. تحقیقات پژوهشگران نشان داده است که در چشم یک سیستم همکاری بین سلولها وجود دارد که با ایجاد جراحات، تمامی سلولها برای ترمیم آن دست به کار می شوند. تا کنون تصور می شد که تنها چشم ماهی ها و خزندگان قادر به ترمیم جراحات شبکه است اما تحقیقات جدید وجود این ویژگی را در انسان نیز ثابت کرده است.

- بخش تصویر جراحی قلب باز روی شبکه اینترنت

پکن- یک بیمارستان در کشور چین مراحل جراحی قلب باز را روی شبکه اینترنت به نمایش در آورد. یکی از بیمارستانهای شهر پکن هنگام انجام عمل جراحی قلب باز روی یک مرد ۵۷ ساله، تمامی مراحل جراحی را به صورت زنده روی شبکه اینترنت پخش کرد و همزمان با پخش تصاویر جراحی اطلاعاتی در زمینه حملات و ناراحتی های قلبی در اختیار بینندگان قرار داد.

این نخستین بار است که یک بیمارستان در کشور چین اقدام به پخش مراحل یک عمل جراحی روی شبکه اینترنت می کند. مسئولان این بیمارستان معتقدند مردم باید با ناراحتی های قلبی و علل آن آشنا شوند تا بیش از پیش از قلب خود مواظبت کنند. بیماری های قلبی در چین رو به افزایش است و سیگار و غذاهای پر چرب عوامل اصلی آن است.

- درمان سرطان با کمک ویروس تب خال

نیویورک- پژوهشگران آمریکایی با کمک مهندسی ژنتیک راهی جدید برای مبارزه با سرطان یافته اند. این پژوهشگران در ویروس مولد تب خال تغییراتی ایجاد کرده اند و با کمک این ویروس تغییر شکل داده شده، به جلوگیری از گسترش سرطان پرداخته اند. ویروس تب خال دارای یک ویژگی منحصر به فرد است که به سرعت وارد سلولها می شود و به تخریب آنها می پردازد. پژوهشگران با الهام از همین ویژگی، ویروس تغییر شکل یافته تب خال را وارد سلولهای سرطان معده کردند و متوجه شدند که سرعت رشد این سلولها به شدت کاهش یافت و این تغییر بدون هیچگونه عوارض جانبی صورت گرفت. در حال حاضر پژوهشگران سرگرم آزمایش ویروس تغییر شکل یافته تب خال روی سلولهای سرطانی مغز هستند و امیدوارند با کمک این ویروس بتوانند راهی مطمئن برای درمان انواع سرطان بیابند.

- رایانه های ویژه رانندگان خودرو

واشنگتن- دو شرکت آمریکایی نوعی رایانه جیبی طراحی کرده اند که با صدای صاحبش کار می کند و به این ترتیب زمان رانندگی را پربار تر می کند. در واقع این رایانه برای افرادی که رانندگی می کنند طراحی شده است تا هنگامی که در پشت فرمان سرگرم رانندگی هستند بتوانند به کارهای رایانه ای خود نیز بپردازند. این رایانه جیبی در جلوی خودرو نصب می شود و با صدای راننده کار می کند. با کمک تلفن همراه می توان این رایانه را به شبکه اینترنت نیز وصل کرد. به این ترتیب رانندگان می توانند همزمان رانندگی کنند، به رایانه دستور کار دهند و از شبکه اینترنت نیز استفاده کنند و اطلاعات مورد نیازشان را از این شبکه دریافت کنند.

گوناگون

- کشتار مردم بی گناه در آمریکا

واشنگتن- یک مرد مسلح آمریکایی پس از ورود به یک مجتمع مسکونی ویژه سالمندان در شهر دیترویت دو تن را کشت و ۶ نفر را مجروح کرد. این مرد از ساختمان محل زندگی که در نزدیکی ساختمان سالمندان قرار داشت، خارج شد و به ساختمان سالمندان رفت. او ابتدا به دفتر مدیر مجتمع رفت و به سوی ۲ زن تیراندازی کرد و آنها را کشت. سپس به خانه اش بازگشت و از پنجره به سوی رهگذران شلیک کرد که ۶ نفر مجروح شدند. پلیس این مرد را دستگیر کرده است اما هنوز انگیزه او از کشتن و مجروح کردن افراد بی گناه روشن نیست.

- کودکان، بنیانگذاران زبانهای بشری هستند

نیویورک- پژوهشگران زبانشناسی در کشور آمریکا اعلام کردند کودکانی که زبان به سخن می گشایند احتمالاً نخستین زبانهای بشر را پایه گذاری کرده اند. به گفته این زبانشناسان کودکان سراسر دنیا در نخستین روزهایی که زبان به سخن می گشایند حروف و صداهای یکسانی تولید می کنند که این اصوات و حروف مبنای نخستین زبانهای بشری است. آنها معتقدند حروف و صداهایی که در زبانهای مختلف جهان به ویژه در زبانهای منسوخ به چشم می خورند همان صداها و حروفی است که تکرار آنها برای کودکان آسان است و کودکان هنگام زبان باز کردن آنها را به کار می برند. این تحقیقات نشان داده است که ۸۰ درصد از زبانهای دنیا برای صدا کردن مادر از یک حرف صدادار دماغی و برای صدا کردن پدر یک حرف صدادار دهانی وجود دارد و این به آن دلیل است که کودکان هنگام شیر خوردن صدای از بینی خود تولید می کنند تا مادر را خطاب کنند.

- پدر و پسر جنایتکار

واشنگتن- یک پدر و پسر آمریکایی به اتهام شرکت در حملات مسلحانه و راهزنی در جنوب «لوس آنجلس» به زندان محکوم شدند. پدر ۴۵ ساله در سال ۱۹۹۷ به اتهام اقدام به ۱۳ جرم دستگیر شد و دادگاه او را به ۲۰ سال زندان محکوم کرد. پسر ۲۳ ساله این مرد نیز به تازگی به اتهام ۱۶ جرم سنگین دستگیر شده است. دادگاه لوس آنجلس این پسر خطاکار را به دلیل ارتکاب به حملات مسلحانه، تیراندازی و تلاش برای فرار از دست پلیس و قانون به ۴۷۵ سال زندان محکوم کرد. پدر این جوان به دلیل آنکه خود را به پلیس معرفی و به جرم خود اعتراف کرده بود تنها به ۲۰ سال زندان محکوم شد.

- مطبوعات جهان

- مجله U.S.News ۲۴ آوریل ۲۰۰۰
موضوع تاریخی مصلوب شدن حضرت مسیح از دیدگان مسیحیان و چالش دیرینه آنها با یهودیان بر سر این موضوع با توجه به بهبود رابطه دنیای مسیحی و یهودی در دهه های اخیر، موضوعی فراموش شده است. اما مجله یواس نیوز با اختصاص دادن یکی از موضوعات اصلی خود به این مناقشه دیرینه، به طرح مجدد آن پرداخته است. نویسنده این مقاله عقیده دارد پیامبر مسیحیان از آن رو کشته شد که سلطه امپراتوری روم به بیت المقدس و الگوی مسلم دینی آنها را مورد سؤال قرار داده بود.



“خاطرات بازماندگان نژادکشی ارمنیان”
نوشته ل. شیرینیان
چاپ ۱۹۹۹ انگلیس به زبان انگلیسی
۸ صفحه، مصور،
پخش توسط مؤسسه گومیتاس
books@gomitas.org

دو هفته نامه

لویس

از آرا و نظرات خوانندگان گرامی استقبال می کند.

تماس با تلفن ۶۴۹۵۱۸۰

نشانی نامه های کاغذی

تهران صندوق پستی ۱۱۷-۱۵۱۷۵.

نشانی نامه های الکترونیکی

louys@dpir.com

دکتر یوهان لپسیوس، ۶۲ ساله، ادیب و صاحبنظر، به جایگاه خواننده می‌شود.
[دکتر یوهان لپسیوس سرگند مخصوص را ادا می‌کند].

دکتر لپسیرگ، رئیس دادگاه ایالتی برلین - می‌دانید که موضوع چیست. لطفاً فقط در باره این مسئله صحبت کنید. آیا در سال ۱۹۱۵ ارمنیان را کشتار کردند و اعمال وحشیانه‌ای در ابعاد وسیع اتفاق افتاد؟ آیا اظهارات شاهدان و آنچه من هم در باره زندگی خصوصی خود بیان نمود، بنا بر تحقیقات و تجربیات شما حقیقت دارند؟

دکتر یوهان لپسیوس - نقشه تبعید سراسری [ارمنیان] توسط کمیته ترک‌های جوان و طلعت پاشا، وزیر داخله، (همچنین انور پاشا، وزیر جنگ) طرح گردید. کوچ و تبعید سراسری، در ماه آوریل سال ۱۹۱۵ به اجرا در آمد و کلیه ساکنان ارمنی ترکیه را، بجز برخی موارد نادر که بعداً عرض خواهم کرد، شامل گشت. تا پیش از جنگ [بین الملل اول] تعداد یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار ارمنی در ترکیه سکونت داشتند. البته در کشوری مانند ترکیه نمی‌تواند آمار چندان دقیقی وجود داشته باشد. ارقام مذکور از برخی داده‌های اولیه موجود استخراج شده است و با سرشماری خلیفه‌گری ارمنه [استانبول] نیز مطابقت دارد. ارمنه در دوران پیش از جنگ، از بخش اروپایی ترکیه (استانبول، آدریانوپولیس و رودستر) تا بخش آسیایی ترکیه (آنتولی، کیلیکیه، سوریه شمالی و بین‌النهرین) پراکنده بودند. بخش بزرگی از ارمنیان در آنتولی شرقی، فلات ارمنستان و میهن باستانی خود، یعنی شش ولایت کارین، وان، باغش، دیاربکر، سباستیا و خاربرد، زندگی می‌کردند. آنها در آنتولی غربی و استانبول و سواحل جنوبی [دریای] سرسره، بخش بزرگی از جمعیت را تشکیل می‌دادند. کیلیکیه که در آنتولی جنوبی قرار دارد، جزئی از ارمنستان باستان بود. کل جمعیت [ارمنی] آنتولی را، مطابق فرمان عالی به سمت حاشیه شمالی و شرقی، یعنی بیابان‌های بین‌النهرین، درالزور، رقه، سسکنه، راس العین و موصل راندند. نزدیک به یک میلیون و چهارصد هزار نفر تبعید شدند.

مفهوم این تبعیدها چه بود؟

در متن فرمان طلعت آمده بود: ((تبعیدگاه، یعنی کشتارگاه)). و در جهت این فرمان هم عمل شد. از کل ساکنان استان‌های آنتولی شرقی که به جنوب رانده شدند، تنها ده درصد به تبعیدگاه رسیدند. بقیه نود درصد، بجز زنان و دخترانی که توسط ژاندارها فروخته شدند و مورد تجاوز قرار گرفتند، همگی در میان راه‌ها به قتل رسیدند یا از گرسنگی و ناتوانی جان باختند. از ارمن‌های که از آنتولی غربی، کیلیکیه و شمال سوریه به بیابان‌ها رانده شدند، به تدریج چند صد هزار تن در تبعیدگاه‌ها گرد آمدند. اکثر این‌ها بعداً از شدت گرسنگی و کشتارهای پیاپی نابود شدند. وقتی تبعیدگاه‌ها از گروه‌های جدید پر می‌شد و دیگر جایی باقی نمی‌ماند، آنها را دسته دسته به بیابان می‌بردند و سلاخی می‌کردند. ترک‌ها می‌گفتند که تکر تشکیل اردوگاه‌ها را از انگلیسی‌ها و شیوه عمل آنها در برخورد با بوره‌های آفریقای جنوبی آموختند. آنچه رسماً اعلام می‌شد این بود که این تبعیدها فقط جنبه امنیتی دارند، اما آگاهان بطور خصوصی اظهار می‌داشتند که هدف آن نابودی قوم ارمنی است. بیانات من همچنین بر اساس مستندات است که از یادداشت‌های سفارت آلمان و وزارت امور خارجه، بخصوص گزارشات سفیر آلمان در استانبول منتشر کردند.

شما در اینجا اظهارات تهلیریان و خانم ترزی‌باشیان را از آنچه در حین تبعیدها دیده و کشیدند شنیدیم. صدها گزارش از این دست، با جزئیات بسیار، اکثراً در نشریات آلمانی و گاه آمریکایی و انگلیسی چاپ شده‌اند. در آنچه روی داده است هیچ شکی نیست. نحوه عمل دقیقاً همانی است که تهلیریان و خانم ترزی‌باشیان در اینجا اظهار نمودند. حالا سؤال من این است که چگونه ممکن است در این مدت کوتاه جان میلیون‌ها انسان را گرفت. برای این کار، تنها می‌بایست به وحشیانه‌ترین شیوه‌ها متوسل شد، همان چیزی که با اظهارات دادگاه نظامی استانبول علیه طلعت پاشا و همقطاران‌ش به ثبوت رسید. این دادگاه از یک سرلشکر به عنوان رئیس، سه ژنرال، از جمله ژنرال‌هایی که از سال‌های جنگ شناخته شده بودند، و یک سرگرد تشکیل شده بود. از اتهامات پنج ماده‌ای ارایه شده، ماده اول مربوط به کشتار ارمنه بود. بر اساس حکم صادره دادگاه مورخ ۶ جولای ۱۹۱۹ همه سرگردان اصلی، یعنی طلعت، انور، جمال و دکتر ناظم، به مرگ محکوم شدند.

آنچه موجب تضمین قتل عام ارمنیان گشت این بود که انجام کار تبعید را به استانداران، فرمانداران و بخشدارها، یعنی روسای عالی حکومتی و مشاوران استاندار محول نمودند. مقاماتی که سرپیچی کردند از کار برکنار شدند. برای مثال، جمال پاشا استاندار حلب، تبعید در استان خود را منع نمود. طلعت او را معزول و به قونیه منتقل کرد. او در آنجا نیز همچون گذشته رفتار کرد و ارمنه باقی مانده را زیر چتر حمایت خود گرفت و از آوارگان رانده شده پشتیبانی کرد. نتیجه

یوهان لپسیوس

دوست بزرگ ملت ارمن

ارمنیان در طول تاریخ پرتلاطم خود، با وجود فراز و نشیب‌های بسیاری که به خود دیده‌اند هیچگاه تنها نبوده و همواره از سوی جوامع پیشرو، دولتمردان و شخصیت‌های علمی و اجتماعی و افراد بشردوست ملل گوناگون مورد حمایت قرار گرفتند. دکتر یوهان لپسیوس یکی از این شخصیت‌های برجسته و بشردوست می‌باشد که حق بزرگی بر گردن ملت ارمنی دارد. اینک مختصری از زندگی و فعالیت‌های او.

دکتر یوهان لپسیوس (۱۸۵۸-۱۹۲۶م)، روحانی، ادیب و خاورشناس آلمانی در سال ۱۸۵۸ میلادی به دنیا آمد. در سال ۱۸۹۶م، در زمان کشتار ارمنه ترکیه به دست سلطان عبدالحمید، به همراه ج. گرین فیلد به آسیای صغیر رفت و از نزدیک به بررسی اوضاع ارمنیان پرداخت تا در پاسخ به ندای وجدان خویش به این قوم ستم‌دیده یاری رساند. از همان سال به چاپ مقاله‌هایی تحت عنوان ((واقعیتی در باره ارمنیان)) در مطبوعات آلمان پرداخت. تعداد ۱۸ مقاله از این سری منتشر شد. این مقاله‌ها بعداً بخش اصلی کتاب ((ارمنستان و اروپا)) را تشکیل داد که در سال ۱۸۹۶ منتشر شد و تأثیری بسیار در روشنگری اذهان اروپاییان و آشنا شدن آنها با مسئله ارمنی بر جای گذاشت. این کتاب طی دو سال هفت بار تجدید چاپ شد و به زبان‌های انگلیسی و فرانسه ترجمه گردید. در سال ۱۹۱۴ به همت او انجمن دوستی آلمان و ارمنستان تأسیس یافت و خود وی ریاست آنرا تا پایان عمر (۱۹۲۶) بر عهده داشت. در سال ۱۹۱۵ در اوج کشتارهای ارمنیان به ترکیه رفت و با انور پاشا، وزیر جنگ، دیدار نمود و کوشید تا او را از این کار باز دارد، اما ناموفق ماند. در همان سال، مقاله ((نابودی کامل یک ملت)) را در مطبوعات سوئیس انتشار داد. در سال ۱۹۱۶ کتاب ((خبرنامه اوضاع ارمنه ترکیه)) را منتشر کرد. این کتاب در سال ۱۹۱۶ دو بار تجدید چاپ شد. پس از جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۱۹، اسناد مهمی در باره ارمنستان در کتاب ((آلمان و ارمنستان در سال‌های ۱۸-۱۹۱۴)) به چاپ رسانید. این کتاب شامل گزارشات محرمانه سفیران و دیپلمات‌های آلمان و ترکیه و اظهارات شاهدان عینی کشتارها بود. در سال‌های دهه ۱۹۲۰ به همت وی کمک‌های مادی بسیاری برای کودکان بی‌سرپرست و آوارگان ارمنی ارسال گشت و کمک‌های دارویی قابل ملاحظه‌ای به جمهوری نوین‌یاد ارمنستان شوروی فرستاده شد. او در طول زندگانی پربار خویش هیچگاه دست از مبارزه با ستمگران و آدمکشان برنداشت و در هر شرایطی به یاری درماندگان و آوارگان شتافت و با مقالات گوناگون خود در جهت احقاق حقوق ستم‌دیده‌گان به پیکار برخاست. دیپلماسی آلمان سعی نمود عملکرد بشردوستانه دکتر لپسیوس را در جهت منافع آلمان قیصری به کار گیرد. در سال ۱۹۲۱ طلعت پاشا یکی از عاملان اصلی قتل عام ارمنیان که به برلین گریخته بود در خیابان شارلوتن بورگ برلین بدست دانشجوی جوان ارمنی به نام سقومون تهلیریان، که همه افراد خانواده‌اش را در این کشتارها از دست داده بود، هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. پلیس آلمان تهلیریان را دستگیر و در دادگاه ایالتی برلین محاکمه نمود. بازجویی‌های اولیه ۷۹ روز به طول انجامید و محاکمه اصلی در روزهای دوم و سوم ژوئن ۱۹۲۱ برگزار شد. دکتر لپسیوس به عنوان کارشناس و صاحب نظر مسئله ارمنی به دادگاه رفت و طی سخنانی به روشنگری موضوع پرداخت. در پایان محاکمه، دادگاه ایالتی برلین بر اساس اظهارات او و دیگر شاهدان و صاحب‌نظران معتبر، تهلیریان را بی‌گناه شناخت و او را تبرئه نمود. در همان سال، صورت جلسات این محاکمه در کتابی جداگانه به زبان‌های آلمانی و ارمنی تحت عنوان ((محاکمه طلعت پاشا)) در وین انتشار یافت. در اینجا دفاعیه دکتر لپسیوس را از کتاب مذکور می‌آوریم.

- 1-Armenien und Europa , B., 1896
- 2-Bericht über die Lage des Armenischen Volkes in der Türkei , Potsdam, 1916
- 3-Deutschland und Armenien 1914-1918 , Potsdam, 1919

اینکه بار دیگر معزول شد و از هر مسئولیتی محروم ماند. او یکی از شاخص ترین و منصف ترین استاندارانی است که ترکیه تا کنون داشته است. از سوی دیگر، رشید بیگ، استاندار دیاربکر، دو معاون خود را که از اوامر تبعید سرپیچی کرده بودند به وسیله آدمکشان خود به قتل رساند. ساکنان ترک، که غالباً نسبت به اوامر دولت خود نظر مساعدی نداشتند، تحت ستم قرار داشتند. فرمانده قشون سوم [عثمانی] فرمانی صادر کرده بود مبنی بر اینکه چنانچه کسی از ترکان به ارمنیان کمک کند در جلوی خانقاه کشته و خانه طعمه حریق خواهد شد. اگر ماموری دولتی مرتکب ((جرم)) کمک به ارمنه می‌شد، از کار اخراج و تحویل دادگاه نظامی می‌گشت.

از یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار ارمنی، تعداد یک میلیون و چهارصد هزار نفر به اصطلاح کوچانده شدند. از تعداد چهارصد و پنجاه هزار نفر باقی مانده نیز دویست هزار نفر، بخصوص از اهالی شهرهای ازمیر و حلب، به اصطلاح از تبعید معاف شدند. ریوسلر، کنسول آلمان نقش به سزایی در نجات ارمنه حلب ایفا نمود، در حالی که نشریات لیبرال‌ها به او تهمت زده او را سازماندهنده کشتارها نامیدند. ژنرال لیمان فون زاندرز در ازمیر مانع تبعید ارمنه گردید. این را از زبان خودش نیز خواهید شنید. مارشال فون درگولتس نیز چنین کرد. او وقتی به بغداد آمد دید که ارمنه از بغداد به موصل تبعید شده‌اند و در آنجا به همراه ارمنه موصل می‌پایست به سوی فرات، یعنی به سوی سرگ، رانده شوند. فون درگولتس به استاندار موصل نوشت که تبعید را منع کند. اما وقتی استاندار دستور جدیدی در باره اجرای تبعید دریافت کرد، فون درگولتس استعفا داد. انور پاشا ناچار پذیرفت، اما در استعفانامه فون درگولتس چنین نوشت: ((حکومت او، به وی اجازه دخالت در امور داخلی ترکیه را نمی‌دهند)).

سفیران [خارجی] استامبول نیز مانع از تبعید ارمنه شدند. اجازه دهید در اینجا مطلبی به اختصار بیان کنم. غالباً می‌خوانیم که علت قتل عام آن بوده است که تجار ارمنی، ترک‌ها را چپاول کرده و ترک‌های خشمگین نیز بی‌اختیار بر ضد ارمنیان دست به قیام زدند. اما ثابت شده است که نه کشتار سال‌های ۹۶-۱۸۹۵ و نه کشتارهای اخیر، هیچ‌یک ناشی از طغیان خودجوش توده‌ها نبوده است. هم در آن زمان و هم در سال‌های اخیر، کارها بر وفق اوامر حکام ترک پیش می‌رفت. در واقع، این تجار ارمنی تجارتخانه‌های بزرگ استامبول، ازمیر و حلب بودند که در هر دو زمان نیز جان سالم بدر بردند، گاه بدین جهت که استطاعت پرداخت پول و خرید زندگی خود را داشتند. بر خلاف این، کل روستاییان آناتولی که ۸۰ درصد ساکنان ارمنی را تشکیل می‌دادند در کنار پیشروانی که اکثریت آنها ارمنی بودند به بیابان‌ها رانده و نابود شدند. باقی مانده ساکنان ارمنی، حدود دویست هزار نفر، از استان‌های شرقی و مرزی تحت حمایت روس‌ها از تبعید نجات یافتند و به قفقاز پناه بردند. روس‌ها در آن زمان تا سواحل غربی دریاچه وان پیش آمده بودند. بعدها وقتی عقب نشستند ارمنه را با خود بردند و این کار، البته از روی علاقه به ارمنه نبود. آنها دوباره به آن استان‌ها پیشروی کردند، اما به خانواده‌های ارمنی اجازه بازگشت به میهن خود را ندادند. یانوشکویچ، رئیس ستاد نیکولای نیکولایویچ، که در آن زمان از فرماندهان [جبهه] قفقاز بود، اعلام نمود که دولت روسیه می‌خواهد کردها و قزاق‌ها را به جای ارمنه در سرزمین‌های خالی از سکنه اسکان دهد، تا کمربند نظامی مستحکمی در برابر ترک‌ها تشکیل شود. میلیکوف، رهبر [حزب] کادتهای روس، در دوما روسیه شدیداً به انتقاد برخاست و گفت که دولت روسیه همان کاری را می‌کند که ترک‌ها پیش از این می‌کردند، یعنی در جهت ایجاد ((ارمنستانی بدون ارمنیان)) می‌کوشند. به هر حال پیشروی روس‌ها جان سیصد و پنجاه هزار ارمنی را نجات داد، اما عقب نشینی روس‌ها، آنها را از سرزمین خود محروم کرد. حالا نیز در منطقه‌ای قفرزده در قفقاز زندگی می‌کنند و سال‌هاست که گرسنگی می‌کشند و رنج می‌برند.

انسان بی‌اختیار از خود می‌پرسد که چگونه چنین وقایعی از نظر تاریخی امکان پذیر می‌باشد؟ سعی می‌کنم به طور خلاصه پاسخ دهم.

مسئله ارمنی علف خوردویی نیست که خود بخود روییده باشد. آن زاده سیاست اروپا است. ملت ارمنی قربانی منافع سیاسی متضاد روس و انگلیس گشته است. دشمنی این دو دولت در خاور زمین از جنگ کریمه و کنفرانس برلین آغاز شد. ارمنیان در کشاکش سیاسی میان لندن و پترزبورگ، پیاده شطرنجی بیش نبودند. گاه آنها را جلو می‌راندند و گاه قربانی می‌کردند. همه ادعاهای بشردوستانه و شعارهای ((حمایت از مسیحیان)) تنها بهانه بود. وقتی عبدالحمید در سال ۱۸۹۵ به اجبار تن به امضای برنامه اصلاحات پیشنهادی انگلیس و روس و فرانسه داد و آنها با سلسله کشتارهایی از ارمنه پاسخ داد، لرد سالسبری اعلام داشت که مسئله ارمنی از نظر دولت انگلیس خاتمه یافته است. شاهزاده لوبانف به سلطان قهماند که جای هیچ نگرانی نیست، زیرا روسیه به انجام اصلاحات اهمیت نمی‌دهد. کشتار سامون در سال ۱۸۹۶ که برنامه اصلاحات را در پی داشت، جان هزاران ارمنی را

گرفت. در طول کشتارهای ۹۶-۱۸۹۵ که در پی آن برنامه به وقوع پیوست، یکصد هزار ارمنی کشته شدند. کشتار ۱۸-۱۹۱۵ که انجام اصلاحات سال ۱۹۱۳ را لغو نمود، شمار قربانیان را به میلیون رسانید. این سیر صعودی در سال ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۹۱۵ ارقام هزار، صدهزار و یک میلیون را نشان می‌دهد، چیزی که در تاریخ کشتارهای جهان دشوار بتوان نظیر آنرا یافت. در لایه لایه این سال‌ها، یعنی سال ۱۹۰۹ نیز کشتار کیلیکیه با ۲۵۰۰۰ نفر جای دارد.

بر خلاف ماده ۶۱ پیمان برلین که شش دولت بزرگ آنرا امضا کردند، و بر خلاف توافق نامه سال ۱۸۷۸ قبرس که انگلستان حامی مسیحیان و اصلاحات ارمنی گشت، و بر خلاف برنامه اصلاحات انگلیسی، روسی و فرانسوی که به امضای سلطان رسید، هیچ یک از این دولت‌های بزرگ حتی انگشت خود را نجابندند تا مردمانی را که حمایت ایشان را به عهده گرفته بودند نجات دهند، یا لاقلاً آدمکشان را به مجازات برسانند. ارمنه تا امروز وسیله‌ای بودند در دست سیاست‌های انگلیس، روس و فرانسه. آلمان باید ثابت کند که از کنفرانس برلین به بعد، با مسئله ارمنی برخوردی مسئولانه نداشته است. در عوض، [آلمان] در سراسر جهان به عنوان کشوری که به سلطان [عبدالحمید] و دولت ترکیه در همه امور مهم یاری رسانده و به آنها تلقین کرده است که ارمنیان خطرناکترین دشمنان ثبات ترکیه هستند، مورد اقترا قرار گرفته است.

نتیجه گیری عبدالحمید چنین بود: ((وقتی که اروپا در امور بلغارستان مداخله کرد، بلغارستان را از دست دادم. حالا سراغ ارمنه آمدند و می‌خواهند آناتولی شرقی را از من بگیرند و به تدریج تجزیه کنند)). از اینجا بود که کشتارها و جنون ارمنی ستیزی آغاز شد.

اصلاحات ارمنی هنوز هم در برنامه سیاسی دولت‌ها جای دارد. آن در سال ۱۹۱۳ بار دیگر به مسئله روز مبدل شد. سفیران روس و آلمان به مذاکره می‌پرداختند، انگلیس خود را عقب می‌کشید. از این مذاکرات برنامه‌ای برای اصلاحات حاصل گشت که به امضای باب عالی رسید و موجب خشنودی ارمنیان شد. نظارت بر این اصلاحات به دو ناظر اروپایی واگذار گردید. اما کار هیچگاه به این مرحله نرسید. جنگ آغاز شد و آن دو ناظر فراخوانده شدند. من در سال ۱۹۱۳ در استامبول بودم. ترک‌های جوان از اینکه مسئله اصلاحات ارمنی باز هم دولت‌ها را به خود مشغول کرده است بسیار خشمگین بودند و از اینکه با توافق آلمان و روس، این مسئله به صورت دلخواه ارمنه حل شده است بیش از پیش مکرر شدند. آن زمان ترک‌های جوان می‌گفتند: ((اگر شما، ارمنه، از اصلاحات دست نکشید، چنان اتفاقی خواهد افتاد که کشتارهای عبدالحمید در مقایسه با آن بازی کودکانی بیش نخواهند بود)).

ترک‌های جوان و ارمنیان با هم انقلاب کرده بودند. رهبران آنها به یکدیگر کمک می‌کردند و در زمان انتخابات برای هم مفید واقع می‌شدند. در اوایل جنگ، روابط آنها کاملاً مسالمت آمیز به نظر می‌آمد. اما ناکهان در شب ۲۴ و ۲۵ آوریل، در مقابل بهت و حیرت ساکنان استامبول، تعداد ۲۳۵ روشنفکر ارمنی دستگیر و زندانی و به آسیای صغیر منتقل شدند. در روزهای بعدی تعداد چند صد تن دیگر بر آنان افزوده شد. جمع آنها ششصد نفر شد. از این تعداد تنها ۱۵ نفر جان سالم بدر بردند. این‌ها کل روشنفکران ارمنی استامبول بودند. وارنگس، نماینده ارمنی مجلس و دوست صمیمی طلعت، هنوز دستگیر نشده بود. او پیش طلعت رفت و پرسید که موضوع چیست. طلعت گفت: ((وقتی ما ضعیف بودیم شما جان ما را به لب رسانیدید و برنامه اصلاحات ارمنی را پیش کشیدید. حالا ما از اوضاع مساعدی که پیش آمده باید استفاده کنیم و ملت شما را چنان در هم بکوبیم که تا ۵۰ سال دیگر خیال اصلاحات را از سر بیرون کنید)). وارنگس گفت: ((پس منظور شما ادامه دادن کار عبدالحمید است؟)). طلعت پاسخ داد: ((بله!)).

محاکمات دادگاه نظامی استامبول، مطابق گزارش ((ژورنال افیسلی)) صحای بود بر این واقعیت که کمیته ترک‌های جوان طراح اصلی تبعیدها بوده و شخص طلعت پاشا همه کاره کمیته و متنفذترین فرد آن بوده است. او بود که دستور کشتار را صادر کرد و هیچ معانعی در جهت منع آن به کار نبرد. در این رابطه می‌توان بر پایه مستندات به زبان‌های آلمانی و ترکی مدارک کتبی رسمی ارایه نمود.

قصد من از بیان این مطالب، نشان دادن آن است که بازی‌های سیاسی دولت‌ها کار را به جایی رساند که هم عبدالحمید و هم ترک‌های جوان چنان بدگمان شدند که چاره‌ای جز قتل عام ارمنیان نیافتند. باری، این کشتارها چنان صورتی به خود گرفت که کمی قبل از زبان شاهان عینی شنیدید.

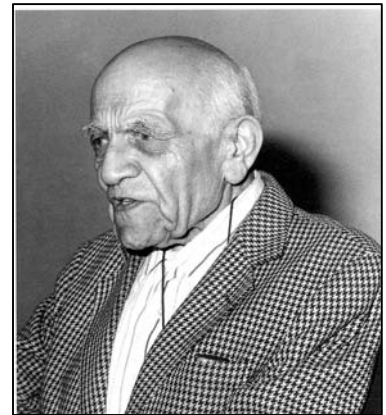


آشنایی با فرزندان ایران زمین

یک زندگی پر ثمر:

آشنایی با استاد احمد بیرشک

تهیه و تنظیم: سورن خجومیان



“این دانشگاه به خاطر قدردانی از یک عمر تلاش شما در زمینه های علمی و فرهنگی، مفتخر است که دکترای افتخاری ریاضی را به شما تقدیم دارد. امیدواریم پرتو عمر پرافتخار شما همچنان مسیر دانش را برای سالیان متمادی روشن نگه دارد.”
اعطاء دکترای افتخاری

به احمد بیرشک توسط مشاور رئیس جمهور آقای حسن حبیبی و وزیر فرهنگ و آموزش عالی مصطفی معین ابراز شد.

بیرشک در سال ۱۲۸۶ بدنیای آمده است و اکنون به عنوان یک سرمایه ملی تلقی می شود. وی علاوه بر آموزش دانشجویان برجسته بسیاری که صدها نفر آنها امروزه افراد سرشناسی هستند ۹۰۰ مقاله و ۱۲۰ کتاب نیز منتشر کرده است. عناوین و القاب بسیاری همچون نویسنده سرشناس، استاد برجسته دانشگاه به وی عطا شده است. تحقیقات جامع گاه شماری وی در مورد تقویم ایران هنوز تمامی گاه شناسان از سراسر جهان را به حیرت و تعجب وا می دارد.

بیرشک در مورد شهرت خود سخن نمی گوید. پدر من یکی از کارکنان گمرک بود. او به همراه آموزش الفبا عشق به مردم، وطن پرستی و بی توجهی به جنبه های مادی زندگی را آموخت، من به او افتخار می کنم. وقتی وارد دانشگاه شدم دریافتم که والدین من خود نمونه بارز آن چیزهایی بودند که در کتابهای دانشگاهی آموزش داده می شود.

وی در رابطه با فعالیتهای خود اظهار داشت: در تمام طول زندگی خود مشغول آموزش، ترجمه و نوشتن بوده ام. اگر می توانستم یک بار دیگر همه چیز را از اول شروع کنم مسلماً همین مسیر را می پیمودم.

آقای دکتر حبیبی مشاور رئیس جمهور به درستی اظهار داشت: ایشان می توانند به آثار متعدد خود افتخار کنند ولی بزرگترین اثر او زندگی پر از مهر و عاطفه اوست که صرف علم و فرهنگ کرده است.

مراکز فروش دوهفته نامه
لويس

بهترین و مناسب ترین راه دریافت
دوهفته نامه لويس از طريق اشتراك
می باشد.
براي اشتراك نشریه لطفاً با تلفن
۶۴۹۵۱۸۰ تماس حاصل فرمایید



درمان بیماریهای مهلک ایدز و هیپاتیت توسط دانشمندان پزشکی ارمنستان

آرمینیکوم : سابقه تحقیقات و نتایج آن

منبع : خبرگزاری نوپان تاپان - اینترنت

ترجمه : ورژیک کاراپتیان

به اطلاع می‌رساند، مرکز اطلاعات نوپان تاپان خبرها، مقاله‌ها و مصاحبه‌هایی را در رابطه با آرمینیکوم معرفی می‌کند. آرمینیکوم داروی است که بوسیله دانشمندان ارمنی برای معالجه بیماری ایدز اختراع شده است. اطلاعات مختصری در باره این دارو در ذیل تقدیم می‌شود.

چگونگی شروع

اواخر دهه ۸۰ گروهی از محققین و دانشمندان پزشکی ارمنستان مشغول مطالعاتی در باره بیماری ایدز شدند. خوشبختانه کار آنها نتیجه بخش بود. آنها دارویی را اختراع کردند به نام آرمینیکوم، که خون را از ویروس HIV پاک کرده و سیستم دفاعی بدن را تقویت می‌کند. بدون شک قبل از آنکه بطور رسمی اعلام شود، دارو می‌بایست در معرض یک سری تست‌های آزمایشگاهی قرار می‌گرفت. این دارو در آغاز بر روی حیوانات مورد آزمایش قرار گرفت و سپس یکی از اعضای گروه آمادگی خود را جهت مصرف دارو بر روی خود را اعلام نمود. در پاییز ۱۹۹۸ این دارو در ارمنستان مورد مصرف قرار گرفت. کشف دارو در ۱۹۹۹ به اطلاع جهانیان رسید، و بعد از آن مراجعه بیماران مبتلا به ایدز از دیگر کشورها به کلینیک‌های ارمنستان شروع شد. بنا به اطلاع واصله تا کنون ۱۳۰ نفر معالجه شده‌اند. تمام این افراد تحت نظر آزمایشات پزشکی منظم قرار دارند. نتیجه به دست آمده رضایت بخش بوده و هیچگونه ویروسی در هیچ موردی دیده نشده است.

آرمینیکوم چیست؟

اجزاء تشکیل دهنده این دارو بدلائل امنیتی به اطلاع عموم نرسیده است. تا زمانی که سازمان جهانی مربوطه این دارو را به ثبت برساند تمام اطلاعات مربوطه به صورت محرمانه باقی خواهد ماند.

نکاتی چند را می‌توان توضیح داد: آرمینیکوم محلول قهوه‌ای تیره‌ای است که به بیمار تزریق می‌شود. این تزریق ممکن است باعث تب یا سردرد بیمار شود که این حالت بیشتر از سه ساعت طول نمی‌کشد و پس از آن بیمار به حالت طبیعی بر می‌گردد. در زمان تزریق بیمار

ممکن است سوزشی در رگهای خود احساس کند، که این مسئله نیز با کند کردن تزریق می‌توان بر طرف نمود. همه بیماران تصدیق می‌کنند که بعد از تزریق آرمینیکوم تغییر بزرگی احساس می‌کنند به طوری که آنها اشتیاق فراوانی برای راه رفتن، دویدن و زندگی کردن در خود احساس می‌کنند. بعد از چندین مرحله تزریق، بیمار شروع به افزایش وزن می‌کند. زخمهای پوستی ناپدید می‌شوند و دردها بهبود می‌یابند. صدا و تنفس بیمار نیز به حالت طبیعی اول بر می‌گردد و غیره. مهمتر از همه دارو تأثیر نامطلوبی بر ارگان‌های بدن ندارد. بیمار یک یا چند دوره از درمان را بسته به میزان پیشرفته بودن بیماری باید بگذراند. مسئولین مرکز درمانی ایدز اعلام داشته‌اند که درمان با آرمینیکوم خیلی ارزاتر از درمان با داروهای ضد-ایدز کشورهای خارجی می‌باشد.

بیماریهایی را که آرمینیکوم درمان می‌کند:

آرمینیکوم تمام بیماریهای ویروسی بخصوص هیپاتیت C را درمان می‌کند. بسیاری مایلند بدانند که آیا آرمینیکوم سرطان را درمان می‌کند. متأسفانه جواب منفی است، ولی دانشمندان ارمنستان تحقیقات بسیاری را نیز در این زمینه در حال انجام دادن هستند.

نحوه مراجعه و درمان بیماران خارجی در ارمنستان

بیماران خارجی که خواهان معالجه در ارمنستان هستند باید درخواست خود را همراه مدارک پزشکی به مسئولین کنسولگری یا سفارت ارمنستان در کشور خودشان ارائه دهند. هیچ بیماری بدون دعوتنامه از درمان در ارمنستان مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. مقامات ارمنستان اجازه اخراج افرادی که بدون مدارک قانونی وارد ارمنستان می‌شوند را دارند.

وضعیت فعلی

در آغاز، سازمانهایی که در ارتباط با بیماری ایدز فعالیت می‌کنند نسبت به اخبار واصله از ارمنستان علاقه‌مندی نشان نمی‌دادند، ولی نظر آنها با مشاهده نتایج مثبت این دارو تغییر کرده است. تمام مقدمات قانونی برای به رسمیت شناختن بین‌المللی آرمینیکوم تقریباً تکمیل شده است. سازمانهای پزشکی که در رابطه با درمان ایدز در جمهوری ارمنستان فعال هستند گسترش یافته‌اند و بزودی یک مجموعه پزشکی جداگانه برای این منظور احداث خواهد شد.

روش جدید درمان سرطان

لندن - پزشکان انگلیسی موفق شدند بیماری سرطان یک زن را با استفاده از واکسن تهیه شده از بدن او درمان کنند. این زن ۴۳ ساله ده سال تحت درمان پزشکان انگلیسی بود. آنها "دی ان ای" تومور مغزی سرطانی این زن را با سرنگ خارج کردند و سپس واکسنی از آن ساختند و واکسن تهیه شده از "دی ان ای" تومور را دو باره به بدن زن بیمار تزریق کردند. این زن شش هفته پس از تزریق واکسن سلامت کامل خود را باز یافت و تومور از مغز او ناپدید شد.

پژوهشگران امیدوارند با کمک این روش سرطانهایی سینه و پروستات را نیز درمان کنند.

گیکور

اثر هوانس تومانیان
ترجمه آرا هوانسیان

۱
در خانه «هامبو»ی دهقان دعوایی بپا شده بود. هامبو دوست داشت پسر دوازده ساله اش، «گیکور» را به شهر برده، به کاری مشغول کند تا آدم بشود و تن بکار بدهد، اما زنش موافق نبود، و با گریه می گفت:

- نمی خواهم، بچه معصوم را به دنیایی که در آن از عدالت خبری نیست ببری، نمی خواهم. هامبو گوش نکرد. صبح گرفته و غمناکی بود. خانواده اش و همسایه ها تا نزدیک جاده برای بدرقه آمدند، گونه های گیکور را بوسیدند و روانه اش کردند.

خواهرش «زانین» گریه می کرد... ولی «گالوی» کوچولو از آغوش مادرش صدا می زد:

- «گیکور»، کجا میلی، ای گیکور....

گیکور تند تند به پشت سرش نگاه می کرد و می دید که هنوز آن ها لب جاده ایستاده اند، و مادرش دارد با پیش بندش اشکهایش را پاک می کند.

گاهی گیکور از پدرش جلوتر می دوید و گاهی هم با او همگام می شد. او برای آخرین دفعه که پشت سرش را نگاه کرد، ده در مه غلیظی فرو رفته بود.

بعد از مقداری راه رفتن گیکور خسته شد و عقب ماند. هامبو خورجینی که در آن چند تکه نان و پنیر و مقداری توتون گذاشته بود، به پشتش انداخته بود و همین طور که می رفتند به گیکور می گفت:

- بیا گیکور جان، بیا داریم می رسم.

غروب که از کوهستان می گذشتند، از دور ده را در میان مه دیدند. گیکور با انگشتش ده را نشان داد و گفت:

- بابا! ای بابا! خانه ما اونجاست می بینی؟

اما خانه ای به چشم نمی خورد.

شب اول را در دهی مهمان شدند. صاحبخانه یکی از دوستان قدیمی هامبو بود.

صدای غلغل سماور برنجی که روی نیمکت بود فضای اتاق را پر کرده بود.

دختر جوانی که استکان ها را به هم می زد و می شست و بساط جای را آماده می کرد، لباس قرمز زیبایی بر تن داشت. گیکور همان جا تصمیم گرفت، به محض این که در شهر به کار مشغول شد و پولی به دست آورد، لباسی به همین زیبایی برای خواهرش «زانین» بفرستد.

بعد از خوردن شام، صاحبخانه و هامبو به هم تکیه داده، مشغول کشیدن چپ و گفتگو شدند. راجع به گیکور هم صحبت کردند.

صاحبخانه کار هامبو را که تلاش می کرد تا پسرش آدمی شود ستایش کرد بعد، باقی حرفهایشان

راجع به جنگ و گرانی نان بود. ولی گیکور که خیلی خسته بود خوابش برد.

روز بعد به شهر رسیدند. نزد صاحب کاروانسرا رفتند. صبح هم سری به بازار زدند. در بازار تاجری از داخل دکان پرسید:

- عمو این بچه را به نوکری می دهی؟ هامبو گیکور را به طرف خودش کشید و گفت:

- بلی آقا. تاجر گفت:

- او را پیش من بگذار قبول می کنم. اسم تاجر «آرتم» و شغلش بزازی بود. و مردم او را آرتم بزاز صدا می زدند.

۲

هامبو، گیکور را در شهر و در خانه «آرتم» بزاز به نوکری سپرد. قرار بر این شد، که گیکور مدت یک سال نظافت خانه را انجام دهد و ظرف بشوید و کفش ها را واکس بزند و ناهار به دکان ببرد و از این قبیل کارهای خانگی انجام دهد.

ضمناً قرار شد پس از یکسال خدمت در خانه، آرتم بزاز او را به مغازه خود ببرد و به عنوان شاگردی در مغازه بکار مشغول کند، تا کم کم به کارهای تجارت و کسب آشنا شود.

هنگام بستن پیمان، بزاز گفت:

- تا پنج سال به او پولی نخواهم داد. اگر راستش را بخواهی بدانی، تو باید پول بدهی چون پسرت بالاخره چیزی یا می گیرد. آخر او چیزی بلد نیست.

- از کجا باید بلد باشد ارباب جان؟ اگر بلد بود چرا پیش تو می آوردمش؟ من او را به اینجا آوردم تا چیزی یاد بگیرد.

- یاد می گیرد. یاد می گیرد. همه چیز یاد می گیرد. طوری به او یاد بدهم... از اهالی ده شما

«نیکول» را که فعلاً دکان شخصی دارد می شناسی؟ پیش من شاگردی کرد تا آدم شد. اما در اواخر

کارش یک جفت قاشق چای خوری و بعضی چیزهای دیگری را از دکانم دزدید.

- خیر ارباب جان پسر من دزد نیست. اگر چنین کاری بکند، می آیم یقه اش را می گیرم و به رودخانه «کر» پرتابش می کنم.

- بسیار خوب اگر دستش پاک است، آدم خواهد شد.

- آرزوی من هم همین است این بود، ارباب جان، که او آدم بشود، زبان یاد بگیرد، خوندن و آداب معاشرت یاد بگیرد، نشستن و برخاستن یاد بگیرد، آدم بشناسد، تا در زندگی مثل من بیچاره و درمانده نشود.

او بچه با هوشی است... در مدرسه ده الفبا را یاد گرفته و حروف را می شناسد و سیاه را از سفید تشخیص می دهد.

آرتم بزاز، خاطر هامبو را از هر نظر جمع کرد و پس از خارج شدن از دکان با صدای بلندی فریاد زد:

- برای اینها جای بیابورید....

۳

پدر و پسر در آشپزخانه آرتم بزاز نشسته بودند. هامبو بعد از آتش زدن چپش به گیکور گفت:

- حالا دیگر تو می دانی گیکور جان، بینم چه پسری خواهی شد؟ طوری باید رفتار کنی که... خداوندا، من چه می دونم؟

گیکور داشت به اطراف خودش نگاه می کرد.

- بابا اینها کرسی ندارند؟

- نه، اینها بخاری دارند، آنجاست بین... اینها شهری هستند، دهاتی نیستن که خرمن جمع کنن.

- پس از کجا نان می خورند؟

- با پول می خرنند و می خورند. نان شیر و ماست و جوب و آب همه را با پول می خرنند.

- عجب!

- بلی اینجا اسمش شهر است، شهر «تفلیس» اگر باهوش باشی خیلی چیزها را می فهمی.

- بابا این ها نمازخانه دارند؟

- البته که دارند - این ها هم مثل ما دین دارند. گوش کن گیکور مبادا دست درازی بکنی!

ممکن است برای امتحان تو پولی روی زمین انداخته باشند. نزدیک نشوی. اگر هم برداشتی می بری و می گویی «خانم این پول آنجا افتاده بود» یا «آقا این را از اینجا پیدا کردم» والا...

- مگر اینجا کلاتر هست؟

- البته که هست، وقت و بی وقت این طرف آن طرف نیروی پولی را که به دست آورده ای بیهوده خرجش نکن. هزار و یک گرفتاری داریم. مواظب سلامتی ات باش. شبها وقتی خوابیدی لحاف را از رویت کنار زن که سرما بخوری، گاهی به وسیله مسافری که به ده می آید نامه بنویس...

گاهی هامبو چپ را از دهانش بیرون می آورد و همانطور به نصیحتش ادامه می داد، در حالی که گیکور بخواب رفته بود. اما او اهمیت نمی داد و همچنان به سخنان خود ادامه می داد...

- ممکن است نان بیات و خورده های آن را بتو بدهند، یا هر چه از غذا زیادی مانده باشد، بعضی وقتها هم خودشان سیر می خورند و به تو نمی دهند، مانعی ندارد، رسم نوکری همین طور است روزگار می گذرد...

در این دو روزه او به قدری چیزهای جدید و گوناگون دیده و در خیابانها این طرف و آن طرف نگاه کرده بود که خستگی حسابی از پا در آورده بود.

دکانهای پر از میوه، چیت های رنگارنگ که روی هم چیده شده بودند. اسباب بازیهای جورواجور. دسته های دانش آموزانی که به دیستان می رفتند. درشکه هایی که پشت سر هم می دویدند کاروان شترها. چهارپایان که بارشان سبزیجات بود. تمام اینها او را گشج کرده بودند. او در نتیجه از این سر و صداها خسته شده و به پدرش تکیه داده به خواب عمیق فرو رفته بود.

حالا در اتاق پهلوی بزاز و زنش با هم دعوا می کردند. زن بزاز می گفت:

- نوکری که آورده ای بی تجربه است و از کوه آمده و مثل وحشها است. ولی شوهرش خوشحال بود که نوکری برای مدت چند سال مفت و مجانی پیدا کرده است. و در جواب به زنش گفت:

- یاد می گیرد، این طور نمی ماند.

مادر پیر بزاز دائما می گفت:

- یاد می گیرد دخترتم. ناراحت نباش.

اما زن بزاز خانم «ناتو» راضی نمی شد و با گریه به بخت بدش نفرین می فرستاد.

۴

گیکور تک و تنها در آشپزخانه آرتم بزاز نشسته بود. او حالا خدمتکار رسمی منزل بزاز است.

کلاه کهنه اربابش را بسر گذاشته و تا گوشهایش پایین کشیده بود. کفشهای کهنه را پوشیده و پیراهن نیمدانش را نیز به تن کرده بود. انگار سر تا پا عوض شده، تغییر شکل داده بود.

او تنها در آشپزخانه با خود فکر می کرد که برای چه از ده به شهر آمده، اینجا کجاست و حالا چه کار باید بکند؟ توی افکارش غرق بود که خانم «ناتو» وارد آشپزخانه شد. گیکور اصلا از جاش تکان نخورد. گویی خانم چیزی به او گفت ولی گیکور خوب نشنید یا متوجه نشد.

- مگر با تو نیستم بچه خرس؟

گیکور دستپاچه شد، عرق کرد، خواست پرسد چه می گوید ولی جرأت نکرد. خانم با عصبانیت بیرون رفت.

- خاک بر سرتان که وحشی هستید و می آید بلای جان ما می شوید... با او حرف می زنم، از جایش بلند نمی شود که هیچ، جوابم را نمی دهد.

گیکور فکر کرد:

تمام شد... ولی چقدر زود تمام شد... حالا چه کار کنم؟ پدرم هم رفته است... همه چیز را تمام شده می دانست. ناگهان پیرزن مهربان مادر بزاز که لباس مشکی بر تن داشت وارد شد و نصیحت کنان به گیکور گفت:

- فرزندم! وقتی خانم وارد می شود چرا بلند نمی شوی؟ هر چیز از تو می پرسد جواب بده، این طور که نمی شود.

پیر زن را ننه صدا می کردند.

ننه همه چیز را به گیکور یاد می داد. می گفت که چه کارهایی را باید انجام دهد؟ مثلا سماور را چطور آتش کند و کفشها را چطور واکس بزند و ظرفها را بشوید.

در خانه غیر از پیرزن همه گیکور را آزار می دادند. حتی شاگردهای دکان آقا هم همیشه به مسخره «هالو» صدایش می زدند. گاهی بینی اش را می کشیدند. یکی بر سرش می کوبید و دیگری کلاهش را تا روی گوشهایش پایین می کشید. گیکور تمام اینها را تحمل می کرد. چیزی که غیر قابل تحمل بود، فقط گرسنگی بود که طاقش را سر می برد در دهشان هر وقت گرسنه اش می شد نان را از زیر

تشت بر می داشت و از کوزه هم پنیر در می آورد و می خورد و برای بازی کردن به صحرا می رفت. گاهی نان را زیر پیراهنش می گذاشت و هر وقت میلش می کشید، زیر درختی لم می داد و آن را می خورد. اما اینجا بکلی فرق می کند هر قدر هم که گرسنه اش باشد باید تا ظهر وقت نهار صبر کند. بعد از این که همه ناهار می خوردند نوبت او می شد. این وقت لعنتی آن قدر طولانی بود که قلب پسر بیچاره آب می شد و به طیش می افتاد از یک تا ده می شمرد، بعد به چهار طرف آشپزخانه نگاه می کرد، تا ببیند آیا می تواند تا ظهر نشده، چیز خوراکی پیدا کند و بخورد شاید دلش ضعف نزود؟

روزهای اول هر چیز را که پیدا می کرد از تکه های نان خشک گرفته، تا استخوان دندان زده یا چیز دیگری را به دهانش می گذاشت. لحظه ای بعد به فکرش رسید که می شود توی قفسه های آشپزخانه را هم واری کند.

ولی در صورتیکه به این عمل عادت کند و تکه ای گوشت خام از دیگ بردارد:

آه اگر می دیدند... چقدر بد می شد!

اگر می دیدند؟

پس باید چه کار کرد؟

آیا باید فرار کرد؟

گیکور در مورد فرار فکر می کرد و با خود می گفت:

- چه طور و به کجا فرار کنم؟ به تنهایی؟ راه را که بلد نیستم... کسی را نمی شناسم... ولی پدرش... ولی پدرش پدری که آن قدر زحمت کشیده، حرف زده، و برایش گفته بود و نصیحتش کرده بود:

- «روزها، فرزندم. تاریک می شوند و می گذرند...»

- «روزها فرزندم تاریک می شوند و می گذرند... می گذرند...»

۵

زنگ در خانه را زدند.

گیکور از جا پرید. قبلا به او گفته بودند، هر وقت صدای زنگ در خانه بلند شد برو ببیند که است و چه می خواهد؟

گیکور بیرون آمد و از ایوان نگاه کرد دید آقای با چند خانم دم در ایستاده بودند از بالا صدا زد و پرسید:

- آهای شما کیستید؟

از پایین به بالا نگاه کردند، خانم ها می خندیدند اما آقای که با آنها بود عینکش را به روی چشم مرتب کرد و پرسید:

- خانم منزل تشریف دارند؟

گیکور دو بار پرسید:

- چه کار دارید؟

صدای خنده از پایین زیادتر شد.

آقا با عصبانیت گفت:

- از تو می پرسند خانم تشریف دارند یا خیر؟

گیکور جواب داد: - کاری داشتید؟

در نتیجه سر و صداها خانم بیرون آمد و با داد و بیداد گیکور و شوهرش را نفرین کرده، گفت:

- الهی خیر نبینی، برو در را باز کن.

پس از لحظه ای مهمانها وارد خانه شدند، خانم صاحبخانه با تبسم از آنها استقبال کرد.

- سلام، سلام چطور شده که یاد ما کرده اید؟

آقا به محض این که وارد خانه شد گیکور را از سر تا پا بر انداز کرده خانمها نیز همچنان به خنده خود ادامه می دادند. آقا پرسید:

- او را از کجا آورده اید؟

خانم با شوخی گفت:

- چه طور حسادت می کنید؟ اگر میل دارید او را به شما ببخشم.

میهناتان با خنده وارد اطاق شدند.

خانم صاحبخانه، فوراً وارد اطاق شد. میهمانها بعد از احوالپرسی تعریف کردند که چطور وارد خانه شده اند و کار چطور بیخ پیدا کرده. خانم ناتو شروع به شکایت از گیکور کرد و گفت:

- آه نمی دانید خانمها، این پسرک جانم را به لبم رسانده است! اگر بدانید از دست او چه می کشم؟ می گویم بیرونش کنم. ولی شما که اخلاق شوهرم را می دانید. او می گوید گناه دارد، بچه دهاتی است. بگذار بماند یک لقمه نان می خورد، یاد می گیرد. پس دیگر کی؟ ... آه دیگر خسته شده ام...!

سر درد دل خانمها باز شده بود.

- امان، امان از دست این نوکر کلفتها پناه ببر خدا. خانم دیگر نگویید...

نیم ساعتی صحبت در باره خدمتکارها و خبرهای دست اول شهر بود در این میان گیکور سرزده وارد اطاق شده، گفت:

- خانم میوه را آوردم.

خانم از خجالت سرخ شده، با عصبانیت گفت:

- بسیار خوب برو بیرون!

میهناتان باز خنده سر دادند.

- خانم، ارباب گفت آلبالو گران است لازم نیست بخری...

به محض شنیدن این حرف از دهان گیکور، بعضی از میهمانها با صدای بلند خندیدند و با دستمال محکم جلوی دهانشان را گرفتند بعضی ها هم برای پوشاندن رسوایی خانم صاحب خانه تصدیق کردند که در واقع قیمت آلبالو بسیار گران است و در این موقع از سال خریدن آلبالو دیگر معنی ندارد. بعد هم گفتند که اصلا خریدن میوه موردی ندارد.

- ما که برای خوردن نیامده ایم. چرا زحمت کشیده اید؟

خانم صاحبخانه که از خجالت صورتش کاملاً سرخ شده بود، سعی کرد موضوع را طور دیگری وانمود کند به همین خاطر گفت:

- می دانم آقا به او چه گفته است، این ابله نفهمیده.

گیکور قسم خورد و گفت:

- الهی هر کس دروغ بگوید زیر خاک برود...

دیگر همه چیز از بد هم بدتر شد...